

ساعتِ خدا کے انصاف کی آپہنچی ہے — نمبر ایک

زندگان کی عدالت اور 9/11 کی نبوتی اہمیت

Jeff Pippenger

2024-12-18

از مدتی نسبتاً طولانی، در واقع از بلافاصله پس از ۱۱ سپتامبر، ما به طور پیوسته تعلیم داده ایم که داوری زندگان در ۱۱ سپتامبر آغاز شد. ما این حقیقت را از کثرتی از گواهان کتاب مقدسی دریافته بودیم که از جهات کاملاً متفاوت آن را تأیید می کردند. از ژوئیه ۲۰۲۳، در مقایسه با جزئیاتی که اندکی پس از ۱۱ سپتامبر کشف شده بود، جزئیات بیشتری از داوری زندگان را که در ۱۱ سپتامبر آغاز شد، دریافته ایم. چرا داوری زندگان در ۱۱ سپتامبر آغاز شد؟ داوری کتاب مقدسی زندگان چیست؟

در باب نخست کتاب مکاشفه، برجسته ترین ویژگی ای که از مسیح شناسانده می شود این است که او آلفا و امگا، ابتدا و انتها، اول و آخر است. او نمونه ای از همین صفت ذات خویش را هنگامی آشکار ساخت که به یوحنا فرمان داد چیزهایی را که بود بنویسد، و یوحنا با این کار، چیزهای آینده را نیز می نوشت. عیسی همواره پایان را با آغاز به تصویر می کشد. این همان است که او هست.

کتاب مقدس، عیسی را به عنوان «کلمه» معرفی می کند. نخستین کتاب کتاب مقدس، پیدایش، به معنای «آغاز» است. آخرین کتاب کتاب مقدس، کتاب مکاشفه است، و حقایقی که نخستین بار در کتاب پیدایش ارائه شده اند، در کتاب مکاشفه مورد بررسی قرار می گیرند. پیدایش آلفا است و مکاشفه امگا، و این دو با هم «کلمه» هستند، و «کلمه» عیسی است، آن که آلفا و امگا است. امضا خدا، یا نام او، در درون هر بخش از نبوت کتاب مقدسی نوشته شده است. آن امضا تأیید می کند که نوری که در آن بخش است، حقیقت است.

اگر تفسیر بخشی از نبوت مَهر خدا را، که همان نام اوست، که همان سیرت اوست، بر خود نداشته باشد، بنابراین آن تفسیر نادرست است. آزمون های دیگری نیز وجود دارند که باید در تفسیر کلام نبوی خدا به کار گرفته شوند، اما هر آزمونی که شخص ممکن است به کار برد، آن آزمون باید در درون کلام خدا تعریف شده باشد. اگر آزمون های ساخته بشر وجود نداشته باشند، تفسیرهای ساخته بشر نیز کمتر خواهند بود. پس چرا؟ و چه؟ آیا داوری کتاب مقدسی زندگان که در 9/11 آغاز شد؟

هنگامی که مسیح در کتاب مکاشفه خویشتن را معرفی می کند، خود را آغاز و انجام می خواند، و از نبی، یوحنا، بهره می گیرد تا نشان دهد آن صفت از منش او بر چه دلالت دارد. او پیام سراسر آن کتاب را همچون مکاشفه ای از خویشتن معرفی می کند. او به یوحنا فرمان می دهد آنچه را که در آن هنگام در جهان یوحنا موجود بود بنویسد، و یوحنا با این کار، آنچه را که در پایان جهان خواهد بود ثبت می کرد. یوحنا یکی از دوازده رهبر در آغاز کلیسای مسیحی بود، و از این رو یوحنا پایان کلیسای مسیحی را به تصویر می کشد؛ پایانی که در باب هفتم مکاشفه به وسیله صد و چهل و چهار هزار و آن گروه عظیم نمایان شده است.

منطق کتاب مقدسی این است: عیسی همان کلمه است که به واسطه او همه چیز آفریده شد؛ کلمه ای که همواره با پدر خود وجود داشته است، و او همچنین همان کتاب مقدس است، زیرا او کلام خداست. نخستین صفت از شخصیت مسیح که در آخرین پیام کلام خدا معرفی می شود، این است که او پایان یک چیز را با آغاز همان چیز به تصویر می کشد. اگر این حقیقت درباره شخصیت خدا در مطالعه کتاب مقدس شخص به کار بسته نشود، او هرگز نمی تواند حقیقتاً بداند که داوری زندگان چیست، و چرا در 9/11 آغاز شد، و مهم تر از آن، چرا نزدیک است که به پایان برسد.

به عنوان نمونه‌ای از اصل آلفا و امگا، اسرائیل باستان نمونه‌ی اسرائیل جدید است؛ حقیقتی نبوی که همچنین می‌توان آن را چنین بیان کرد: اسرائیل literal نمونه‌ی اسرائیل spiritual است. به هر صورت که این مطلب بیان شود، هم اسرائیل باستانی literal و هم اسرائیل جدید spiritual دارای تاریخی آغازین و تاریخی پایانی هستند. سه مورد از این چهار تاریخ در گذشته قرار دارند، و ما اکنون در چهارمین و آخرین تاریخ هستیم.

سه تاریخ گذشته، نمایانگر سه شاهد آخرین نسل تاریخ زمین هستند. آن سه تاریخ گذشته، نسلی را مشخص می‌کنند که در کتاب مکاشفه به صورت یکصد و چهل و چهار هزار معرفی شده است. خطوط نبوی دیگری از تاریخ نیز وجود دارند که به یکصد و چهل و چهار هزار می‌پردازند، اما عدد یکصد و چهل و چهار هزار دربردارنده نمادپردازی نبوی این حقیقت است که یکصد و چهل و چهار هزار کسانی هستند که به گونه‌ای نبوی، از حاصل ضرب دوازده سبط اسرائیل باستان تحت‌اللفظی در دوازده شاگرد اسرائیل روحانی جدید نمایانده می‌شوند.

به عنوان نمونه‌ای دیگر از آلفا و امگا، سه فرشته مکاشفه باب چهارده نمایانگر تاریخی آغازین و پایانی هستند. جنبش میلری تاریخ آغازین سه فرشته را نمایندگی می‌کند، و جنبش یکصد و چهل و چهار هزار نفر، تاریخ پایان پیام فرشته سوم را نمایندگی می‌نماید. جنبش آلفا گشایش داوری تحقیقی را در ۲۲ اکتبر ۱۸۴۴ اعلام کرد. جنبش امگا گشایش داوری زندگان را اعلام نمود و آغاز آن را ۱۱ سپتامبر تعیین کرد.

نمونه سوم از آلفا و امگا، که به آسانی می‌توان آن را به وسیله الهام تأیید کرد، این است که در آغاز، یعنی در جنبش الفای میلری‌ها، مثل ده باکره به تمام معنی کلمه و موبه‌مو تحقق یافت. خواهر وایت تاریخ میلری‌ها را در کتاب «نبرد عظیم» در چارچوب تحقق آن مثل در همان زمان مشخص می‌سازد. او تعلیم می‌دهد که جنبش امگای یکصد و چهل و چهار هزار نیز مثل ده باکره را به تمام معنی کلمه و موبه‌مو تحقق خواهد بخشید. سه شاهد کوتاه از مسیح که پایان را با آغاز یکی می‌شناسند.

د اسرائیل باستان په پیل کې، څښتن له عبرانیانو سره هغه عهد وتاړه چې د دروازو پر چوکاټونو د وینې په وسیله تمثیل شوی و، او دا بې‌شکه د خدای په کلام کې د «نیمې شپې د پیغې» لومړنی یادونه ده. بپتسما له مسیح سره د عهدیزې اړیکې نښه ده، او پولس مور ته رابښیې چې هغه عبرانیان چې له مصر څخه ووتل، ټول په «ورېځ» او په «سره سمندر» کې بپتسمه شول. کله چې هغوی له سمندر هاخوا واوښتل، من ورکړل شوه، چې د نورو معناوو تر څنګ، په هغه چوکاټ کې چې ازموینه وه، د اوومې ورځې د سبت نښه هم ده.

«من» نمایانگر نخستین آزمون ایشان بود، و چون در دهمین و آخرین آزمون خود، هنگامی که پیام یوشع و کالب را رد کردند، ناکام ماندند، آنگاه خداوند نیز ایشان را به عنوان قوم عهد خویش رد کرد و با یوشع و کالب وارد عهد شد. هنگامی که سرانجام به سرزمین موعود داخل شدند، آیین ختنه بر آن مردانی که در طول آن چهل سال زاده شده بودند، انجام نشده بود؛ زیرا این آیین در هنگام شورش قادش پایان یافته بود و درست پیش از ورود، در قادش دوباره برقرار شد. این امضای آلفا و امگا است.

چهل سال سرگردانی در بیابان با شورش بر ضد پیام یوشع و کالیب آغاز شد، و با شورش موسی در زدن صخره به پایان رسید، و بدین سان شخصیت و کار خدا را به نادرستی معرفی کرد. آغاز اسرائیل باستان، پایان اسرائیل باستان را به تصویر می‌کشد.

در پایان اسرائیل باستان، عیسی به عنوان «فرستاده عهد» در باب سوم ملاکی آمد تا «عهد» را با بسیاری برای یک هفته استوار سازد، در تحقق باب نهم دانیال. مسیح، به عنوان فرستاده عهد، با

کلیسای مسیحی در همان بستر تاریخی‌ای وارد عهد شد که در آن از قوم عهد پیشین گذشت. در آغاز اسرائیل باستان به‌عنوان قوم عهد خدا، خداوند از قوم عهد پیشین گذشت و با قومی برگزیده جدید وارد عهد شد. او در پایان اسرائیل باستان نیز دقیقاً همان کار را انجام داد.

نماد یک عهد، ازدواج است، و از ولادت مسیح تا ویرانی اورشلیم در سال 70 میلادی، نبوت طلاقى تدريجى خدا را از اسرائیل باستانی تحت‌اللفظی به تصویر می‌کشد. پس طلاق در واقع در چه زمانی نافذ شد: در هنگام ولادت او، مرگ او، سنگسار استیفا، یا ویرانی اورشلیم؟

"در همین حال، عبادت‌کنندگانی از هر قوم، معبدی را که برای پرستش خدا وقف شده بود، جست‌وجو می‌کردند. آن بنا که با طلا و سنگ‌های گران‌بها می‌درخشید، منظره‌ای از زیبایی و شکوه بود. اما یهوه دیگر در آن کاخ دل‌انگیز یافت نمی‌شد. اسرائیل، به‌عنوان یک قوم، خود را از خدا جدا کرده بود. هنگامی که مسیح، در نزدیکی پایان خدمت زمینی خویش، برای آخرین بار به درون معبد نگریست، فرمود: «اینک خانه شما برای شما ویران گذاشته می‌شود.» متی 23:38. تا آن زمان او معبد را خانه پدر خویش خوانده بود؛ اما چون پسر خدا از آن دیوارها بیرون رفت، حضور خدا برای همیشه از معبدی که برای جلال او بنا شده بود، برگرفته شد. اعمال رسولان، 145.

در روز پس از ورود ظفرمندان، مسیح اعلام کرد که خانه یهود متروک است، و طلاق نهایی شد. پس، هنگامی که خورشید در روز ورود ظفرمندان غروب کرد، طلاق نهایی شده بود.

«اورشلیم فرزندی مورد عنایت او بود، و همان‌گونه که پدری مهربان بر پسر گمراه خویش ماتم می‌گیرد، عیسی نیز بر آن شهر محبوب گریست. چگونه تو را واگذارم؟ چگونه ببینم که به نابودی سپرده شوی؟ آیا باید رهایت کنم تا پیمانۀ شرارت را لبریز سازی؟ یک جان چنان ارزشی دارد که در مقایسه با آن، جهان‌ها به بی‌اهمیتی فرو می‌افتند؛ اما در اینجا قومی کامل در شرف هلاکت بود. آنگاه که خورشید تندپوی رو به مغرب در آسمان از نظر ناپدید می‌شد، روز فیض اورشلیم به پایان می‌رسید. هنگامی که آن جمعیت بر فراز کوه زیتون درنگ کرده بود، هنوز برای توبه اورشلیم دیر نشده بود. فرشته رحمت در آن هنگام بال‌های خود را فرومی‌بست تا از تخت زرین فرود آید و جای را به عدالت و داوری شتابان فرارسندۀ بسپارد. اما دل بزرگ سرشار از محبت مسیح هنوز برای اورشلیم شفاعت می‌کرد؛ همان شهری که رحمت‌های او را خوار شمرده، هشدارهای او را حقیر دانسته، و در آستانه آن بود که دستان خود را به خون او آلوده سازد. اگر اورشلیم فقط توبه می‌کرد، هنوز بسیار دیر نشده بود. در حالی که واپسین پرتوهای خورشید غروب‌کننده بر معبد و برج و کنگره درنگ می‌کرد، آیا هیچ فرشته نیکویی او را به محبت نجات‌دهنده رهبری نمی‌کرد و سرنوشت شومش را باز نمی‌گرداند؟ ای شهر زیبا و ناپاک، که پیامبران را سنگسار کرده بودی، که پسر خدا را رد کرده بودی، که با بی‌توبگی خود، خویش را در بندهای اسارت محبوس می‌ساختی،—روز رحمت نزدیک بود که به کلی سپری شود!»

«بار دیگر روح خدا با اورشلیم سخن می‌گوید. پیش از آنکه روز به پایان رسد، شهادتی دیگر بر مسیح داده می‌شود. صدای شهادت برخاسته، به ندایی از گذشته‌ای نبوی پاسخ می‌دهد. اگر اورشلیم این ندا را بشنود، اگر نجات‌دهنده‌ای را که به دروازه‌های او وارد می‌شود بپذیرد، هنوز ممکن است نجات یابد.»

«گزارش‌ها به فرمانروایان اورشلیم رسیده است که عیسی با انبوهی عظیم از مردم به شهر نزدیک می‌شود. اما آنان هیچ استقبالی برای پسر خدا ندارند. با ترس بیرون می‌آیند تا او را ملاقات کنند، به این امید که آن جمعیت را پراکنده سازند. هنگامی که آن کاروان در آستانه فرود آمدن از کوه زیتون است، به‌وسیله فرمانروایان متوقف می‌شود. آنان سبب این شادمانی پرهیاهو را می‌پرسند. و چون سؤال می‌کنند: «این کیست؟» شاگردان که از روح الهام سرشارند، به این

پرسش پاسخ می‌دهند. آنان با بیانی بلیغ، نبوت‌های مربوط به مسیح را تکرار می‌کنند:

«آدم به تو خواهد گفت: این نسل زن است که سر مار را خواهد کوبید.»

«از ابراهیم پرسید؛ او به شما خواهد گفت: این «ملکیصدق، پادشاه سالیم» است، پادشاه صلح. پیدایش ۱۸:۱۴.»

«یعقوب به شما خواهد گفت که او شیلوه از قبیلهٔ یهوداست.»

«اشعیا به شما خواهد گفت: «عمّانویل»، «شگفت‌انگیز، مشیر، خدای قدیر، پدر سرمدی، سرور سلامتی.» اشعیا ۷:۱۴؛ ۹:۶.

«ارمیاہ تمہیں بتائے گا، داؤد کی شاخ، خداوند ہماری راستبازی ہے.» یرمیاہ ۲۳:۶.

«دانیال به شما خواهد گفت: او همان مسیح است.»

«هوشع به شما خواهد گفت: او «یهوه، خدای صباوت است؛ یهوه یادگار اوست.» هوشع ۵:۱۲.»

«یحییٰ تعمیددهنده به شما خواهد گفت: او «برّهٔ خداست که گناه جهان را برمی‌دارد.» یوحنا ۱:۲۹»

«یهوّه عظیم از تخت خویش اعلام کرده است: «این است پسر حبیب من.» متی ۳:۱۷.

«ما، شاگردان او، اعلان می‌داریم: این است عیسی، مسیحا، شاهزادهٔ حیات، و نجات‌دهندهٔ جهان.»

«و شهریار قدرت‌های تاریکی او را اقرار کرده، می‌گوید: «تو را می‌شناسم که کیستی، قدوس خدا.» مرقس ۱:۲۴. آرزوی اعصار، ۵۷۷-۵۷۹.

تاریخ ورود ظفرمند مسیح، تاریخ فریاد نیمه‌شب را در دورهٔ زمانی میلریتی به گونه‌ای نمادین مجسم می‌ساخت. عبارتی از خواهر وایت بیان می‌دارد که چون آن ورود آغاز شد، مردم تحت‌الهام روح‌القدس قرار گرفتند، و سپس مسیح ایستاد و بر اورشلیم گریست. پس از آن، او ورود را ادامه داد، و آنگاه با رهبری یهود مواجه شد. مایلم برخی ویژگی‌های این حکایت را جدا سازم تا نشانه‌هایی را شناسایی کنم که در تاریخ میلریتی‌ها تکرار می‌شوند. اما نخست می‌خواهم نکته‌ای را دربارهٔ آغاز و انجام بیان کنم. آنچه اکنون از خواهر وایت نقل کردیم، پایان یک فصل را نشان می‌دهد، و آغاز فصل بعد چنین می‌گوید.

«پیروزمندانهٔ مسیح به اورشلیم، سایه‌ای کم‌فروغ از پیش‌نمایی آمدن او در ابرهای آسمان با قدرت و جلال بود، در میان ظفر فرشتگان و شادمانی قدیسان. آنگاه سخنان مسیح به کاهنان و فریسیان تحقق خواهد یافت: «از این پس مرا نخواهید دید تا زمانی که بگویید: مبارک است او که به نام خداوند می‌آید.» متی ۲۳:۳۹. در رؤیای نبوت، زکریا آن روز ظفر نهایی را دید؛ و همچنین فرجام کسانی را که در ظهور نخست، مسیح را رد کرده بودند مشاهده کرد: «و بر من که او را نیزه زده‌اند خواهند نگریست، و برای او مانند ماتم برای پسر یگانه خواهند نوحه کرد، و برای او همچون کسی که برای نخست‌زادهٔ خود در تلخی است، در تلخی خواهند بود.» زکریا ۱۲:۱۰. این همان صحنه‌ای بود که مسیح آنگاه که شهر را دید و بر آن گریست، از پیش مشاهده کرده بود. او در ویرانی زمانی اورشلیم، نابودی نهایی آن قومی را می‌دید که به خون پسر خدا مجرم بودند.»

شاگردان نفرت یهودیان نسبت به مسیح را دیدند، اما هنوز نمی‌دیدند که این نفرت به کجا خواهد انجامید. آنان هنوز حالت حقیقی اسرائیل را درک نکرده بودند و نیز قصاصی را که می‌بایست بر اورشلیم فرود آید، نمی‌فهمیدند. مسیح این حقیقت را از طریق درسی عینی و پرمعنا بر آنان آشکار ساخت.

«فراخوان واپسین به اورشلیم بیهوده بوده بود. کاهنان و حاکمان، در پاسخ به این پرسش که: «این کیست؟» پژواک صدای نبوی گذشته را از زبان انبوه مردم شنیده بودند، اما آن را به عنوان صدای الهام نپذیرفتند. آنان با خشم و شگفتی کوشیدند مردم را خاموش سازند. در میان آن جمع، افسران رومی حضور داشتند، و دشمنان او عیسی را نزد ایشان به عنوان رهبر شورشی محکوم کردند. آنان چنین وانمود کردند که او در آستانه تصرف معبد و سلطنت کردن به عنوان پادشاه در اورشلیم است.» آرزوی اعصار، 580.

نکته‌ای که نمی‌خواستم از قلم بیفتد این است که ورود ظفرمندان^۱ مسیح به اورشلیم، نه تنها فریاد نیمه‌شب تاریخ میلریتی را نمونه‌وار مجسم می‌سازد، بلکه پایان جهان را نیز. این رویداد با بازگشت مسیح در آغاز هزاره باب بیستم مکاشفه، و نیز با بازگشت او همراه با اورشلیم جدید در پایان هزاره مرتبط است. همچنین با مرگ شیرین در آمدن دوم او، و داوری نهایی ایشان در پایان هزاره نیز پیوند دارد. آغاز آخرین بند چنین می‌گوید: «آخرین استغاثه به اورشلیم بیهوده بوده بود. کاهنان و حاکمان، در پاسخ به این پرسش که «این کیست؟»، آواز نبوی گذشته را که از زبان جماعت بازتاب یافته بود، شنیده بودند؛ اما آن را به عنوان صدای الهام نپذیرفتند.»

درخواست نهایی بی‌ثمر بود، و آن درخواست به عنوان «صدای نبوی گذشته» معرفی شد. انبوه مردم در روزگار مسیح آخرین درخواست خود را رد کردند، زیرا مشورت ارمیا را برای بازگشت به راه‌های کهن نپذیرفتند. همچنین روش «حکم بر حکم» را نیز رد کردند، زیرا شاگردان به پرسش «این کیست؟» با گرد آوردن چندین شاهد در کنار یکدیگر پاسخ داده بودند، حکم بر حکم، از اینجا اندکی و از آنجا اندکی.

ווען משיח הייבט אן זיין אריינטריט אין ירושלים, בלייבט ער אונטערוועגנס שטיין. דאָס הייבט זיך אן מיט דער מקוים-ווערדונג פֿון נבואה, ווען די תלמידים באַשאַפֿן דעם אייזל, אויף וועלכן משיח זאָל רייטן. ער איז קיינמאָל נישט געווען אַ רייטער אויף אַ בהמה, און די בהמה איז קיינמאָל נישט געווען ברייט. די לאַגיק ווייזט אן אויף אַ נס; וואָרום וועלכע בהמה לאַזט צו אַ רייטער צום ערשטן מאָל, און ווער ווייסט ווי אזוי צו פירן ביים רייטן אויף אן אייזל וואָס האָט דאָס קיינמאָל פֿריער נישט געטאָן. דאָס איז ענלעך צו יענער צייט, ווען די פלשתיים האָבן געלייגט אַ קרבן-מתנה אויף דעם וואָגן, צוזאַמען מיט דער אָרון, און אַנגעשפּאַנט צוויי קי, וואָס ביידע האָבן נאָך געשפּיזט קעלבער, און וואָס האָבן קיינמאָל פֿריער נישט געצויגן אַ וואָגן, און גלייך האָבן זיי פֿאַרלאַזט די קעלבער און אַנגעהויבן דעם וועג צו צוריקברענגען די אָרון צו די עבֿרים. די אָרון איז אויפֿן וועג קיין ירושלים, און ווען דוד ברענגט זי סוף-כל־סוף אריין אין ירושלים, האָט ער פֿאַרגעשטעלט משיח'ס טריומפּאַלן אַריינטריט.

چون مسیح بر کرّه‌الغ نشست، مردم آغاز کردند که جامه‌های خود را در راه بگسترانند، شاخه‌های نخل را قطع کنند، و فریادها برخاست که: «هوشیاعنا بر پسر داوود؛ مبارک است آن که به نام خداوند می‌آید! هوشیاعنا در اعلی‌علیین.» (متی ۲۱:۹) رهبران مقاومت کردند و از عیسی خواستند که جمعیت را خاموش سازد. سپس ایشان به پیش رفتند و عیسی ایستاد تا بر انسان گمشده، که اورشلیم نماینده آن است، بگریزد. آنگاه این موکب ادامه یافت و رهبران بار دیگر مداخله کردند و خواستار آن شدند که بدانند عیسی کیست. سپس شاگردان با شهادت سطر بر سطر انبیا پاسخ دادند.

تاریخی که اکنون در نظر داریم، مسبوق بود به قیام ایلعازر، که نخستین نومییدی را در خط نبوی مصور در مثل ده باکره نشان می‌دهد؛ و نیز به تماس عزا با تابوت، در خط ورود ظفرمندان^۱ داود به اورشلیم. نخستین نومییدی با زمانی از درنگ همراه است، و مسیح آنگاه که نخست شنید ایلعازر بیمار است، درنگ کرد؛ چنان‌که داود نیز با واگذاشتن تابوت در جایی که عزا مرد، درنگ نمود تا بعداً آن را

بازآورد۔ ایلعازر مرد، و پس از آن برخیزانیده شد۔ ایلعازر همان کسی است که پس از آن، کرّہ‌الاعی را کہ عیسی بر آن سوار شد، بہ درون اورشلیم ہدایت می‌کند۔

در تاریخ میلری، فرشتہٴ دوم در ۱۹ آوریل ۱۸۴۴، در نخستین نومیدی، فرا رسید؛ رخدادی کہ آغاز زمان درنگ را مشخص ساخت۔ پس از آن، ساموئل اسنو بہ تدریج بہ بسط پیام فریاد نیمہ شب پرداخت۔ بسط تدریجی آن پیام با ورود مسیح بہ اورشلیم بہ تصویر کشیدہ شدہ است۔ سیر پیش‌روندہٴ کار اسنو همچنین در جابہ‌جایی‌های تابوت عہد بازنمایی شدہ است: از فلسطینیان، بہ اراہہ، بہ عزا، و سرانجام بہ اورشلیم۔

ورودکّہ آغاز ایک اعلان عام سے ہوتا ہے جو لوگوں نے اُس وقت کیا جب راہنماؤں نے مسیح سے کہا کہ ہجوم کو خاموش کرے، اِس کے بعد مسیح کا گریہ ہے، پھر شاگردوں کا اعلان آتا ہے جب ہٹ دھرم راہنماؤں نے پوچھا کہ مسیح کون ہے۔ لوگوں میں الہام کے ظہور نے، جس نے ہٹ دھرم راہنماؤں کے پہلے ردِ عمل کو جنم دیا، شاگردوں میں پھر دہرایا گیا، جب انہوں نے "line" upon line ماضی کے نبوی گواہوں کی کثرت پیش کی۔ اُس دن جب سورج غروب ہوا، قدیم اسرائیل خدا سے طلاق دی گئی۔

در آن تاریخ بہ ما آگاہانیدہ شدہ است کہ شاگردان «مجازاتِی را کہ می‌بایست بر اورشلیم فرود آید» درک نکردند۔ «مجازاتِی» کہ می‌بایست «بر اورشلیم فرود آید»، برای شاگردان بہ وسیلہٴ «درسی عینی و مهم» بہ تصویر کشیدہ شد۔ آن درس عینی و مهم، نفرینِ درخت انجیر بود۔ ویرانی اورشلیم، کہ شاگردان هنوز آن را درک نکردہ بودند، با نفرینِ درخت انجیر، و نیز با مثلی کہ مسیح پیش‌تر دربارهٴ درخت انجیر تعلیم دادہ بود، بہ تصویر کشیدہ شد۔

«این هشدار برای ہمہٴ زمان ہاست۔ عمل مسیح در لعنت کردن آن درختی کہ بہ قدرت خود آفریدہ بود، برای ہمہٴ کلیساہا و برای ہمہٴ مسیحیان ہشدار است۔ هیچ‌کس نمی‌تواند شریعت خدا را زندگی کند، بی‌آنکہ بہ دیگران خدمت رساند۔ اما بسیاری ہستند کہ زندگی رحیمانہ و ایثارگرانہٴ مسیح را در عمل بہ جا نمی‌آورند۔ بعضی کہ خود را مسیحیانی برجستہ می‌پندارند، در نمی‌یابند کہ خدمت برای خدا از چہ چیز تشکیل می‌شود۔ آنان برنامہ‌ریزی و مطالعہ می‌کنند تا خود را خشنود سازند۔ فقط با توجہ بہ خویشتن عمل می‌کنند۔ زمان تنها تا آنجا برای ایشان ارزش دارد کہ بتوانند برای خود گرد آورند۔ در ہمہٴ امور زندگی، این ہدف آنان است۔ نہ برای دیگران، بلکہ برای خود خدمت می‌کنند۔ خدا آنان را آفرید تا در جہانی زندگی کنند کہ در آن باید خدمتِ ایثارگرانہ انجام شود۔ او ایشان را مقرر داشت تا بہ ہر طریق ممکن بہ ہمنوعان خود یاری رسانند۔ اما نفس‌آن‌چنان در نظرشان بزرگ است کہ هیچ چیز دیگر را نمی‌توانند ببینند۔ آنان با بشریت پیوندی زندہ ندارند۔ کسانی کہ بدین‌گونہ برای خویشتن زندگی می‌کنند، مانند درخت انجیرند کہ ہمہ‌گونہ تظاهر داشت، اما بی‌ثمر بود۔ آنان صورت‌های عبادت را رعایت می‌کنند، اما بدون توبہ و ایمان۔ در اقرار، شریعت خدا را حرمت می‌نہند، اما اطاعت در کار نیست۔ می‌گویند، اما عمل نمی‌کنند۔ مسیح در حکمی کہ بر درخت انجیر جاری ساخت، نشان می‌دہد کہ این تظاهر باطل در نظر او تا چہ اندازہ نفرت‌انگیز است۔ او اعلام می‌دارد کہ گناہکار آشکار کمتر از کسی مجرم است کہ دعوی خدمت بہ خدا دارد، اما ثمری برای جلال او نمی‌آورد۔»

«تمثیل انجیر کے درخت، جو مسیح کے یروشلم کے دورہ سے پہلے بیان کیا گیا تھا، اُس سبق کے ساتھ براہ راست تعلق رکھتا تھا جو اُس نے بے ثمر درخت پر لعنت کرنے میں سکھایا۔» The Desire of

Ages, 584

پس از آخرین رویارویی با رہبران، عیسی کنارہ گرفت تا تمام شب را در دعا بگذراند؛ سپس بامدادان، هنگامی کہ از کنار درخت انجیر می‌گذشت، آن را لعنت کرد۔

«این فصل انجیر رسیده نبود، مگر در برخی نواحی؛ و بر بلندی‌های اطراف اورشلیم به‌راستی می‌شد گفت: "زمان انجیرها هنوز نرسیده بود." اما در باغی که عیسی بدان آمد، درختی به نظر می‌رسید که از همه دیگران پیش افتاده است. آن درخت از پیش سراسر پوشیده از برگ بود. طبیعت درخت انجیر چنین است که پیش از آن که برگ‌ها گشوده شوند، میوه در حال رشد پدیدار می‌گردد. از این رو، این درخت پربرگ نوید میوه‌ای نیکو پرورده را می‌داد. اما ظاهرش فریبنده بود. عیسی چون شاخه‌های آن را، از پایین‌ترین شاخه تا بالاترین ترکه، جست‌وجو کرد، «جز برگ چیزی» نیافت. آن چیزی نبود مگر انبوهی از شاخ‌وبرگ متظاهران.»

مسیح بر آن لعنتی هلاک‌کننده جاری ساخت. فرمود: «دیگر هرگز کسی از تو ثمری نخورد.» بامداد روز بعد، هنگامی که نجات‌دهنده و شاگردانش بار دیگر در راه شهر بودند، شاخه‌های خشکیده و برگ‌های پژمرده توجه آنان را جلب کرد. پطرس گفت: «ای استاد، بنگر، آن درخت انجیری که لعنت کردی، خشک شده است.»

"انجیر جي وڻ کي لعنت ڪرڻ ۾ مسيح جي عمل شاگردن کي حيران ڪري ڇڏيو هو. اهو کين سندس طريقن ۽ ڪمن جي برخلاف لڳو. گهڻا ڀيرا هنن کيس اهو اعلان ڪندي ٻڌو هو ته هو دنيا کي ڏوهاري نهرائڻ لاءِ نه آيو آهي، پر انهيءَ لاءِ ته دنيا هن جي وسيلي نجات حاصل ڪري. هنن سندس اهي لفظ ياد ڪيا: 'ابن آدم ماڻهن جي جانين کي هلاڪ ڪرڻ لاءِ نه آيو آهي، پر ٻڃائڻ لاءِ.' لوقا 9:56. سندس عجيب ڪم هميشه بحاليءَ لاءِ ڪيا ويا هئا، ڪڏهن به تباهيءَ لاءِ نه. شاگردن هن کي رڳو بحال ڪندڙ، شفا ڏيندڙ جي حيثيت ۾ سڃاتو هو. اهو عمل اڪيلو ئي بي مثال بيڻو هو. هن جو مقصد ڇا هو؟ هنن سوال ڪيو."

خدا «به رحمت رغبت دارد». «به حیات خودم قسم، می‌گویند خداوند یهوه، که من از مرگ شیرین لذتی ندارم.» میکاه ۷:۱۸؛ حزقیال ۳۳:۱۱. نزد او، کار هلاکت و اعلام داوری، «کاری غریب» است. اشعیا ۲۸:۲۱. اما او از سر رحمت و محبت، پرده را از آینده برمی‌دارد و نتایج راه گناه را بر انسان‌ها آشکار می‌سازد.

«لعنت درخت انجیر، یک مثل عملی بود. آن درخت بی‌ثمر که شاخ‌وبرگ متظاهر خود را درست در برابر روی مسیح به نمایش می‌گذاشت، نمادی از قوم یهود بود. نجات‌دهنده می‌خواست علت و حتمیت هلاکت اسرائیل را برای شاگردان خود آشکار سازد. برای این منظور، او به آن درخت صفات اخلاقی بخشید و آن را مفسر حقیقت الهی ساخت. یهودیان از میان همه ملت‌های دیگر به گونه‌ای متمایز ظاهر شدند و اظهار وفاداری به خدا می‌کردند. آنان به‌طور ویژه از سوی او مورد لطف قرار گرفته بودند، و دعوی پارسایی برتر از هر قوم دیگر داشتند. اما به سبب محبت دنیا و حرص سود، فاسد شده بودند. به دانش خود فخر می‌کردند، اما از مطالبات خدا ناآگاه بودند و سرشار از ریا بودند. همچون آن درخت بی‌ثمر، شاخه‌های متظاهر خود را برافراشته می‌ساختند، در ظاهر سرسبز و در نظر زیبا، اما «چیزی جز برگ» به بار نمی‌آوردند. دین یهود، با هیکل باشکوه خود، مذهب‌های مقدس خود، کاهنان عمامه‌بر سر خود، و مراسم پرشکوه خود، به‌راستی در ظاهر نیکو بود؛ اما فروتنی، محبت، و نیکوکاری در آن یافت نمی‌شد.» The Desire of Ages, 581, 582.

مور د دوو پوښتنو په مطرح کولو سره پیل وکړ، چې اوس د هغو د ځوابولو په بهیر کې یو. هغه پوښتنې دا وې: «ولې د ژوندیو قضاوت په ۹/۱۱ پیل شو؟ د ژوندیو کتابي قضاوت څه شی دی؟»

نبوت کی وه چند سطریں جو ہم نے ابھی سامنے رکھیں، زندوں کی عدالت کی کتاب مقدس پر مبنی گواہیاں ہیں۔ نبوت کی وہ سطریں عدالت کے محض "الف، ب، ج" ہی سے کہیں بڑھ کر امور پر دلالت کرتی ہیں، لیکن ہم پہلے 9/11 اور زندوں کی عدالت سے متعلق سوالات کا جواب دے رہے ہیں۔

«دیدم،» نبی دانیال می‌گوید، «تا آنکه تخت‌ها برقرار شد، و قدیم‌الایام بنشست: جامه‌اش چون برف سفید بود، و موی سرش مانند پشم پاک؛ تخت او شعله‌های آتش بود، و چرخ‌های آن آتش

سوزان. نہری از آتش جاری شد و از حضور او بیرون آمد: ہزاران ہزار او را خدمت می کردند، و کروہا کروہ بہ حضورش ایستادہ بودند: داوری برقرار گردید، و دفترها گشودہ شد.» دانیال ۷:۹، R.V. ۱۰.

«بدین سان، آن روز عظیم و پرهیبت بہ رؤیای نبی عرضہ شد؛ روزی کہ در آن، سیرت ها و زندگی های مردمان در برابر داور تمامی زمین مورد بررسی قرار خواہد گرفت، و بہ ہر کس «برحسب اعمالش» جزا دادہ خواہد شد. قدیم الایام، خدای پدر است. مزمور نویس می گوید: «پیش از آنکہ کوہ ها زادہ شوند، و پیش از آنکہ زمین و جہان را پدید آوردہ باشی، از ازل تا ابد تو خدا هستی.» مزمور 90:2. اوست کہ سرچشمہ تمامی ہستی و منبع ہمہ شریعت است، و اوست کہ بر داوری پیاست خواہد کرد. و فرشتگان مقدس، بہ عنوان خادمان و شاہدان، بہ شمارہ «دہ ہزاران بار دہ ہزاران و ہزاران ہزاران»، در این محکمہ عظیم حضور می یابند.»

«و اینک کسی مانند پسر انسان با ابرہای آسمان آمد و نزد قدیم الایام رسید، و او را بہ حضور وی آوردند. و سلطنت و جلال و پادشاہی بہ او دادہ شد تا جمیع قوم ها، امت ها و زبان ها او را خدمت نمایند؛ سلطنت او سلطنتی جاودانی است کہ زایل نخواہد شد.» دانیال ۷:۱۳، ۱۴. آمدن مسیح کہ در اینجا توصیف شدہ است، آمدن دوم او بہ زمین نیست. او در آسمان نزد قدیم الایام می آید تا سلطنت و جلال و پادشاہی را دریافت کند؛ همان ها کہ در پایان کار او بہ عنوان شفیع، بہ وی دادہ خواہند شد. این ہمین آمدن است، نہ بازگشت دوم او بہ زمین، کہ در نبوت پیشگویی شدہ بود در پایان ۲۳۰۰ روز، در سال ۱۸۴۴، واقع شود. کاہن اعظم عظیم ما، در معیت فرشتگان آسمانی، بہ قدس الاقداس داخل می شود و در آنجا در حضور خدا ظاہر می گردد تا بہ آخرین اعمال خدمت خود بہ نفع انسان بپردازد—تا کار داوری تحقیقی را بہ انجام رساند و برای ہمہ کسانی کہ معلوم می شود مستحق بہرہ مندی از فواید آن هستند، کفارہ بہ جا آورد.

در خدمت نمادین، تنها کسانی در مراسم روز کفارہ سہم داشتند کہ با اعتراف و توبہ بہ حضور خدا آمدہ بودند و گناہانشان، بہ واسطہ خون قربانی گناہ، بہ قدس منتقل شدہ بود. همچنین، در روز عظیم کفارہ نہایی و داوری تحقیقی، تنها پروندہ های کسانی مورد رسیدگی قرار می گیرد کہ خود را از قوم خدا می دانند. داوری شریران کاری متمایز و جداگانہ است و در زمانی دیرتر انجام می پذیرد. «زیرا وقت آن است کہ داوری از خانہ خدا آغاز شود؛ و اگر نخست از ما شروع شود، فرجام آنان کہ از انجیل خدا اطاعت نمی کنند چہ خواہد بود؟» 1 Peter 4:17.

«دفاتر ثبت آسمان، کہ در آن ها نام ها و اعمال انسان ها درج شدہ است، ملاک تعیین احکام داوری خواہند بود. نبی دانیال می گوید: "داوری برقرار شد، و دفترها گشودہ گردید." مکاشفہ نگار، در توصیف ہمین صحنہ، می افزاید: "و کتابی دیگر گشودہ شد کہ کتاب حیات است؛ و مردگان از آنچه در کتاب ها نوشتہ شدہ بود، بر حسب اعمال خود داوری شدند." مکاشفہ 20:12.»

"زندگی کی کتاب میں اُن سب کے نام درج ہیں جو کبھی خدا کی خدمت میں داخل ہوئے ہیں۔ یسوع نے اپنے شاگردوں سے فرمایا: 'خوشی کرو، اِس لیے کہ تمہارے نام آسمان پر لکھے ہوئے ہیں۔' لوقا 10:20. پولس اپنے وفادار ہم خدمتوں کا ذکر کرتا ہے، 'جن کے نام زندگی کی کتاب میں ہیں۔' فلپیوں 4:3. دانی ایل، 'ایسے مصیبت کے وقت' پر نظر کرتے ہوئے 'جیسا کبھی نہ ہوا تھا،' اعلان کرتا ہے کہ خدا کے لوگ رہائی پائیں گے، 'یعنی ہر ایک جو کتاب میں لکھا ہوا پایا جائے گا۔' اور مکاشفہ لکھنے والا کہتا ہے کہ صرف وہی خدا کے شہر میں داخل ہوں گے جن کے نام 'برہ کی زندگی کی کتاب میں لکھے ہوئے ہیں۔' دانی ایل 12:1؛ مکاشفہ 21:27۔"

"యెహోవను 'అందులీ; వేరయబడుచుననదీ' జ్ఞాపకగోరంధము 'ఒక సన్మీధీలీ దేమనీ" గూర్చిన' తీచుకొనువరీనీ జ్ఞాపకములీనీకి నమమును ఆయన, భయపడువరీనీ విశేషసహార్వక వరీ 3:16. మఱకీ." చేయబడియుననవి నమోదు సత్కరయములు

..లిఖింపబడుచున్నవీ పరలోకమందు వేరేమతరేయములు వరీ, వక్రేయములు ననను, దేవ న: "ఇట్లనెను సూచించుచు విషయమును ఈ నహమయ చీన మందీరమునకై దేమనీ న నను, ... తచుకొనుము జ్ఞాపకమునకు జ్ఞాపకగీరంధములే దేమనీ 13:14. నహమయ." చిరీవీవేయకుము సత్తరేయములను వరతీ వరతీపుటింపబడిన అకకడ. అమరత్వమందుచున్నదీ నీతికరేయము వరతీ సుకుమర వరతీ వయకొతపరచబడిన, చేడు వరతీ జయింపబడిన, శీధన నీమితతము కోరీనీతు. లిఖింపబడుచున్నవీ విశేషసహారవకముగ కరుణావక్రేయము దుఃఖము వరతీ, శరమ వరతీ అనుభవంపబడిన, తయగతరేయము వరతీ చేయబడిన న: "ఇట్లనుచున్నడు కీరతనకరేత. చేయబడుచున్నవీ నమోదు కూడ అవీ; ఉంచుము నీనలో నీ కననీళలను న; లెకకపెట్టుచున్నవ నీమ సంచరములను 56:8.»కీరతన?" లేవ గీరంధములే నీ

همچنین ثبت گناهان آدمیان نیز وجود دارد. «زیرا خدا هر عمل را با هر امر پنهان، خواه نیکو باشد و خواه بد، به داوری خواهد آورد.» «هر سخن باطلی که مردم بگویند، در روز داوری حساب آن را خواهند داد.» نجات دهنده می فرماید: «زیرا به سخنان خود عادل شمرده خواهی شد، و به سخنان خود محکوم خواهی گردید.» جامعه ۱۲:۱۴؛ متی ۱۲:۳۶، ۳۷. مقاصد و انگیزه های پنهان در آن دفتر خطاناپذیر آشکار می گردند؛ زیرا خدا «آنچه را در تاریکی پنهان است، روشن خواهد ساخت و نیت های دل ها را ظاهر خواهد نمود.» اول قرنتیان ۴:۵. «اینک، نزد من مکتوب است، ... تقصیرهای شما و تقصیرهای پدران شما با هم، خداوند می گوید.» اشعیا ۶۵:۶، ۷.

«کار هر انسان در برابر خداوند مورد بررسی قرار می گیرد و از جهت وفاداری یا بی وفایی ثبت می شود. در برابر هر نام، در دفترهای آسمان، با دقتی هراس انگیز، هر سخن ناروا، هر عمل خودخواهانه، هر وظیفه انجام نشده، و هر گناه پنهان، همراه با هر گونه ریاکاری ماهرانه، نوشته می شود. هشدارها یا توبیخ های فرستاده شده از آسمان که نادیده گرفته شده اند، لحظات تلف شده، فرصت های به کار گرفته نشده، تأثیری که برای خیر یا شر اعمال شده است، با نتایج دوردامن آن، همه به وسیله فرشته ثبت کننده ضبط می گردد.»

«شریعت خدا وه معیارے جس کے مطابق عدالت میں انسانوں کے کردار اور زندگیوں کا امتحان لیا جائے گا. حکیم کہتا ہے: "خدا سے ڈر، اور اُس کے احکام کو مان: کیونکہ انسان کا کل فرض یہی ہے۔ کیونکہ خدا ہر عمل کو عدالت میں لائے گا." واعظ 12:13، 14. رسول یعقوب اپنے بھائیوں کو نصیحت کرتا ہے: "تم ایسا ہی بولو، اور ایسا ہی کرو، جیسے اُن کو آزادی کی شریعت کے مطابق عدالت میں پرکھا جانا ہے۔" یعقوب 2:12»

کسانی که در داوری «شایسته شمرده می شوند» در قیامت عادلان نصیبی خواهند داشت. عیسی فرمود: «آنانی که شایسته شمرده شوند تا آن عالم و قیامت از مردگان را ببابند، ... مانند فرشتگان هستند؛ و فرزندان خداوند، چون فرزندان قیامت اند.» لوقا 20:35، 36. و باز اعلام می دارد که «نیکوکاران» برای «قیامت حیات» بیرون خواهند آمد. یوحنا 5:29. مردگان پارسا تا پس از آن داوری که در آن شایسته «قیامت حیات» شمرده می شوند، برانگیخته نخواهند شد. از این رو، آنان شخصاً در محکمه حاضر نخواهند بود هنگامی که سوابقشان بررسی می شود و درباره پرونده هایشان حکم صادر می گردد.

«عیسی به عنوان وکیل ایشان ظاهر خواهد شد تا به نیابت از آنان در حضور خدا شفاعت کند. "اگر کسی گناه کند، نزد پدر شفیع داریم، یعنی عیسی مسیح عادل." John 2:1. "زیرا مسیح به مکان های مقدسی که به دست ساخته شده و نمونه های مقدسات حقیقی اند، داخل نشد، بلکه به خود آسمان داخل شد تا اکنون به خاطر ما در حضور خدا ظاهر شود." "از این رو، او نیز قادر است کسانی را که به وسیله او نزد خدا می آیند، به طور کامل نجات بخشد، چون همیشه زنده است تا

برای ایشان شفاعت کند. "Hebrews 9:24; 7:25».

«هنگامی که دفترهای ثبت در داوری گشوده می‌شوند، زندگی همه کسانی که به عیسی ایمان آورده‌اند، در برابر خدا مورد بررسی قرار می‌گیرد. مدافع ما، آغاز کرده از آنان که نخستین بار بر زمین زیستند، پرونده هر نسل پیایی را عرضه می‌دارد و با زندگان پایان می‌بخشد. هر نامی ذکر می‌شود و هر پرونده‌ای با دقت بررسی می‌گردد. نام‌هایی پذیرفته می‌شوند و نام‌هایی رد می‌گردند. هرگاه کسانی گناهانی داشته باشند که در دفترهای ثبت باقی مانده‌اند، بی‌آنکه از آن‌ها توبه شده باشد و بی‌آنکه آمرزیده شده باشند، نام‌های ایشان از دفتر حیات محو خواهد شد، و ثبت اعمال نیک آنان از دفتر یادبود خدا زدوده خواهد گردید. خداوند به موسی اعلام کرد: «هر که به من گناه ورزد، او را از دفتر خود محو خواهم کرد.» Exodus 32:33. و نبی حزقیال می‌گوید: «وقتی عادل از عدالت خود برگردد و گناه بورزد، ... تمامی اعمال عادلانه او که به‌جا آورده است، به یاد آورده نخواهد شد.» The Great Controversy, 479–483. Ezekiel 18:24.»

ما این مطالعه را ادامه خواهیم داد و به پرسش‌های مطرح‌شده در مقاله بعدی این مجموعه پاسخ خواهیم داد.